

عوامل موثر در بازگشت مجدد زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی به مراکز بازپروری

مجری طرح: دکتر مصطفی اقلیما عضو هیات علمی دانشگاه
کار فرما: پژوهش دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

Abstract:

The considered research is complied according to the social and cultural necessities based upon factors affecting deviant acts in woman and teenagers that have social problems.

The general objective of the this research is assessing the main factors of women and teenager girls with social problems returning to rehabilitation centers. The statistical society consists of teenager girls and women , residing in " Omidvar center" in Tehran and "Horriat" in Mashhad and the considered sample includes 300 girls and woman in Tehran and Mashhad.

Research tools are a questionnaire , MMPI test and Reivane test.

In the analysis of data , two methods of descriptive statistics (abundance chart and abundance percentage) and T and chi square deductive statistics are used.

Keywords :

1. Teenagers. Women .Rehabilitation centers4.. Social problems

چکیده:

از جمله آسیب‌هایی که می‌توان در جامعه شاهد بروز و وقوع آن بود فرار دختران از خانواده و به دنبال آن گرایش آنها به آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی است.

تحقیق حاضر بر روی عوامل مؤثر در بازگشت مجدد مددجویان مراکز بازپروری به این مراکز کار می‌کند. این تحقیق بر روی ۳۰۰ نفر از مددجویان دو مرکز امیدوار در تهران و حریت در مشهد صورت گرفته است. شاخصها مورد نظر در دو گروه مورد سنجش و قیاس قرار گرفته است. گروه اول شامل افرادی است که صرفاً یک مرتبه ارجاع گردیده‌اند و گروه دوم افرادی هستند که چندین مرتبه ارجاع شده‌اند. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که وضعیت دموگرافیک مددجویان این دو گروه، وضعیت خانوادگی ایشان، سطح آسیب دیدگی آنها و وضعیت روانشناختی در آنها با یکدیگر متفاوت است. ابزار پژوهش عبارت است از پرسشنامه محقق ساخته، تست ریون و تست MMPI، آزمونهای آماری به کار رفته عبارتند از آزمونهای t و X^2 .

واژگان کلیدی: زنان، دختران، مراکز باز پروری، مسایل اجتماعی

مقدمه:

منبع بزرگ درآمد اقتصادی و بخشی از تولید ناخالص ملی تبدیل شده است.

در تحلیل مسأله روسپیگری و گرایش این گروه از افراد به ارتکاب جرائفی که مخالف با هنجارها و عرف جامعه است، باید به ابعاد گوناگون و وسیعی از مسأله نظر داشت و به این امر از دریچه و ابعاد پیچیده آن نگریست.

از جمله عوامل مؤثر در وقوع بزهکاری می‌توان به انگیزه‌های فرد، عوامل روانشناختی، عوامل خانوادگی، شرایط محیطی و عوامل زیستی اشاره کرد. با توجه به شیوع آسیب‌های اجتماعی و در نهایت گرایش دختران و زنان آسیب دیده اجتماعی به انحرافات اجتماعی لزوم ارائه خدمات اجتماعی و بازتوانی خود را نمایان می‌سازد. در جهت پاسخگویی به این امر برنامه‌های بازپروری در غالب مؤسسات و مراکز در سطح سازمان بهزیستی در حال اجراء است...

در بررسی‌های آماری به عمل آمده در حدود ۶۰٪ از مددجویان ارجاع گردیده به بخش بازپروری پس از طی شدن دوران بازتوانی به دلیل ارتکاب جرم و یا عدم

امروزه توسعه زندگی شهری و صنعتی، گسترش بی‌رویه شهرها و مهاجرت از روستاها به شهرهای بزرگ، افزایش حاشیه‌نشینی، فراوانی مشکلات اقتصادی اجتماعی و جوان بودن درصد بالایی از افراد جامعه ایران باعث افزایش کمی و کیفی آسیب‌های اجتماعی گردیده و زمینه مناسبی برای ابتلاء به انواع آسیب‌ها به خصوص برای قشر جوان فراهم گردیده است. یکی از آسیب‌هایی که جوامع بشری را به خطر انداخته است مسأله روسپیگری است. با مطالعه در علل این پدیده به خوبی روشن می‌شود که فقر، بیکاری، جنگ، تنوع طلبی، فریب خوردگی، شکست در عشق، علل جنسی و عوامل خانوادگی مهمترین عواملی هستند که هر روز بر تعداد طعمه‌های جدید روسپیگری می‌افزایند.

طبق برآورد سازمان ملل متحد هر ساله، چهل میلیون نفر در جهان خرید و فروش می‌شوند، گفته می‌شود در کشورهای مانند اندونزی، تایلند، فیلیپین و مالزی، روسپیگری و قاچاق زنان از نقاط دیگر به این نقاط به

اجتماعی فرار مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پرسشنامه حاوی ۲۷ سؤال است که اعتبار و روایی قابل قبولی دارد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو شیوه آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده در بخش آمار استنباطی از آزمونهای X^2 و t برای رد یا قبول فرضیات استفاده گردیده است.

اطلاعات آماری:

در جهت بررسی عوامل مؤثر در بازگشت مجدد مددجویان به مراکز بازپروری عواملی همچون وضعیت دموگرافیک، وضعیت خانوادگی، نوع انحرافات اجتماعی، سن اولین فرار و علت فرار می‌توانند مؤثر باشند.

در بررسی وضعیت دموگرافیک، سن مددجویان از عوامل مؤثر می‌باشد به گونه‌ای که سنین نوجوانی، سنینی هستند که بیشترین میزان بازگشت مجدد در آن صورت می‌گیرد. ۳۶٪ از مددجویان مراکز بازپروری در مقطع سنی ۱۸-۲۰ سال قرار دارند.

به طور کلی ۵۶٪ از مددجویان ارجاع شونده به مراکز بازپروری در سن نوجوانی هستند که ۳۳٪ از ایشان به این مراکز بازگشت مجدد داشته‌اند. ۳۶٪ از مددجویان ارجاع شونده دارای سوادی در حد ابتدائی هستند و یا بی‌سوادی می‌باشند. بیشترین بازگشت مجدد در مورد مددجویانی است که سوادی در حد ابتدائی دارند و یا بی‌سوادی هستند. ۷۲٪ از مددجویان ارجاع شونده مجرد هستند و ۲۰٪ آنها مطلقه می‌باشند و تنها ۷٪ از ارجاع شوندگان متأهل هستند. بیشترین بازگشت مجدد مربوط به مددجویان مجرد است. بیشترین علت طلاق در زنان آسیب دیده اعتیاد همسرانشان می‌باشد، افرادی که مشکل اعتیاد همسر را داشته‌اند بازگشت مجدد بیشتری دارند. ۱۹٪ از ارجاع شوندگان به این مراکز از اهالی نواحی غربی کشور هستند ۴۲٪ آنها از استان تهران ارجاع گردیده‌اند ۹٪ از ارجاع شوندگان از استانهای شمالی

توانایی در اداره زندگی مستقل به این مراکز بازگشت مجدد دارند. تحقیق حاضر به دنبال بررسی عوامل مؤثر در بازگشت مجدد زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی به مراکز بازپروری است.

«فرضیات تحقیق»

۱. بین بازگشت مجدد مددجو و وضعیت دموگرافیک وی رابطه وجود دارد.
۲. بین بازگشت مجدد مددجو و وضعیت خانوادگی رابطه وجود دارد.
۳. بین بازگشت مجدد مددجو و نوع انحراف رابطه وجود دارد.
۴. بین بازگشت مجدد مددجو و سن اولین فرار رابطه وجود دارد.
۵. بین بازگشت مجدد مددجو و علت فرار رابطه وجود دارد.

«روش تحقیق»

تحقیق حاضر از نوع پس رویدادی، (علمی - مقایسه‌ای) است و روش گردآوری اطلاعات از نوع میدانی است. جامعه آماری شامل کلیه زنان و دختران آسیب دیده‌ای می‌باشد که به مراکز ستاد پذیرش و قرنطینه امیدوار در تهران و حریت در مشهد ارجاع گردیده‌اند. روش پژوهش عبارت است از ۲۰۰ مددجوی ارجاع شونده که ۱۵۰ نفر آنها مددجویانی هستند که صرفاً یک بار در مراکز بازپروری پذیرفته شده و تحت عمل بازپروری قرار گرفته‌اند و ۱۵۰ نفر دیگر افرادی هستند که بیش از یک بار به مراکز بازپروری ارجاع گردیده‌اند و به صورت مکرر بازگشت مجدد داشته‌اند. کلیه افراد نمونه به شیوه تصادفی ساده از دو ستاد پذیرش و قرنطینه امیدوار و حریت برگزیده شده‌اند. ابزار مورد استفاده در این تحقیق عبارت است از تست MMPI، تست ریون پرسشنامه محقق ساخته‌ای که به وسیله آن عوامل خانوادگی و

روبرو بوده‌اند چندین برابر سایر مددجویان است. والدین ۱۰٪ از مددجویان ارجاع شونده سابقه زندان دارند و بازگشت مجدد در این افراد به مراتب بالاتر از سایر مددجویان است. ۲۶٪ از مددجویان مورد مطالعه سابقه اعتیاد داشته‌اند که ۲۴٪ از این تعداد بازگشت مجدد نموده‌اند. سابقه اعتیاد عامل مؤثری در بازگشت مجدد مددجویان به مراکز بازپروری است. غالباً اعتیاد این مددجویان به هروئین، حشیش و تریاک بوده است. بیشترین بازگشت مجدد در مددجویانی بوده که در وهله اول اعتیاد به هروئین داشته‌اند و پس از آن اعتیاد به تریاک در رتبه دوم قرار دارد.

۲۴٪ از مددجویان ارجاع شونده سابقه زندان دارند که ۲۷٪ از این تعداد بازگشت مجدد داشته‌اند. دارا بودن سابقه زندان عامل مؤثری در گرایش فرد به انحرافات اجتماعی است. ۵۶٪ از مددجویان ارجاع شونده، دچار انحرافات جنسی بوده‌اند که ۲۶٪ از این تعداد بازگشت مجدد نموده‌اند. ۸۰٪ از نمونه مورد نظر سابقه خودکشی داشته‌اند که ۶٪ از این افراد بازگشت مجدد داشته‌اند. در بررسی علل فرار مددجویان عواملی همچون ناسازگاری با والدین، عدم امنیت در خانواده، وضع نامناسب اقتصادی، از هم پاشیدگی خانواده، گرایش به مسائل انحرافی، ازدواج تابسانمان، اغفال، اعتیاد و مشکل ذهنی مددجویان مؤثر می‌باشند. بیشترین عوامل که در این پدیده به صورت رتبه‌بندی مؤثر می‌باشند عبارتند از ناسازگاری با والدین ۱۹/۵ درصد، اغفال گردیدن ۱۶٪، وضع نامناسب اقتصادی ۱۵٪، از هم پاشیدگی خانواده ۱۲/۵٪. اما در بازگشت مجدد مددجویان بیشترین عوامل تأثیرگذار عبارتند از عدم وجود امنیت در خانواده

کشور می‌باشند و ۶٪ از ارجاع شونده‌گان از استانهای مرکزی ارجاع گردیده‌اند و ۲۲٪ از مددجویان ارجاع شونده از استانهای شرقی کشور ارجاع شده‌اند. همانگونه که ملاحظه می‌گردد بیشترین تعداد ارجاع شونده‌گان متعلق به دو استان تهران و خراسان هستند. در بررسی آماری به عمل آمده ۳۵٪ از مددجویان ارجاع شونده در خانواده‌هایی با جمعیت بیش از ۶ نفر زندگی می‌نمایند و ۵۰٪ از مددجویان که بازگشت مجدد داشته‌اند، در خانواده‌هایی با جمعیت بیش از ۶ نفر زندگی می‌کنند. ۶۰٪ از مددجویان ارجاع شونده دارای پدرانی بی‌سواد هستند و یا پدران آنها سوادی در حد ابتدایی دارند که بیشترین بازگشت مجدد در مددجویانی است که پدران آنها سوادی سطح ابتدایی دارند و یا بی‌سواد هستند. ۸۰٪ از مادران مددجویان ارجاع شونده دارای سوادی در حد ابتدایی هستند و یا بی‌سواد می‌باشند. در بررسی وضعیت اشتغال پدران افراد ارجاع شونده، ۱۷٪ از آنها پدران بیکار دارند، ۲۹٪ پدران آنها کارگر هستند، ۱۸٪ از پدران ایشان کارمند می‌باشند، ۱۵٪ از ایشان دارای مشاغل آزاد هستند و ۱۴٪ پدران آنها راننده می‌باشند. ۵۲٪ از مددجویانی که پدران بیکار دارند بازگشت مجدد داشته‌اند. ۴۵٪ از مددجویان ارجاع شونده در وضعیت بد و خیلی بد اقتصادی زندگی می‌نمایند و ۸۰٪ از مددجویانی که در وضعیت خیلی بد اقتصادی زندگی می‌کنند بازگشت مجدد داشته‌اند. ۳۰٪ از مددجویان ارجاع شونده با مسأله جدایی والدین روبرو هستند، ۲۳٪ از افراد مراجعه کننده والدینشان فوت نموده‌اند و ۱۸٪ از گروه نمونه دارای والدین معتاد هستند. بازگشت مجدد در مددجویانی که با مسأله جدایی والدین، فوت والدین و اعتیاد پدر و مادر

توزیع فراوانی و درصد فراوانی دو گروه A و B بر اساس علت فرار

درصد فراوانی کمی	درصد فراوانی B	درصد فراوانی A	فراوانی کمی	فراوانی B	فراوانی A	فراوانی علت فرار
۱۹/۵٪	۱۲٪	۷/۵٪	۵۷	۳۵	۲۲	ناسازگاری با والدین
۱۳٪	۵٪	۸٪	۳۸	۱۳	۲۵	عدم امنیت در خانواده
۱۵٪	۳٪	۷٪	۳۰	۸	۲۲	وضع نامناسب اقتصادی
۱۲/۵٪	۳/۵٪	۹٪	۳۷	۱۰	۲۷	از هم پاشیدگی خانواده
۷٪	۲٪	۵٪	۲۳	۶	۱۷	گرایش به مسائل انحرافی
۱۲/۵٪	۹٪	۳/۴۲٪	۳۵	۲۵	۱۵	ازدواج نابسامان
۱۶٪	۱۱٪	۵٪	۴۷	۳۳	۱۴	اغفال
۳/۳٪	۰/۳٪	۳٪	۱۰	۱	۹	اعتیاد
۵٪	۴٪	۱٪	۱۵	۱۱	۴	مشکل ذهنی
۱۰۰٪	۵۱٪	۴۹٪	۲۹۲	۱۴۲	۱۵۰	جمع

توزیع فراوانی و درصد فراوانی دو گروه A و B بر حسب سن افراد

درصد فراوانی کمی	درصد فراوانی B	درصد فراوانی A	فراوانی کمی	فراوانی B	فراوانی A	فراوانی توزیع سنی
۶/۵٪	۰/۶۶٪	۶٪	۱۱	۲	۱۹	۱۳-۱۴
۲۱٪	۶٪	۱۵٪	۶۳	۱۸	۴۵	۱۴-۱۶
۲۶٪	۱۱٪	۱۵٪	۷۷	۳۲	۴۵	۱۶-۱۸
۱۶٪	۹٪	۷٪	۴۷	۲۷	۲۰	۱۸-۲۰
۱۳٪	۹٪	۴٪	۳۷	۲۶	۱۱	۲۰-۲۲
۱۲٪	۱۰٪	۲٪	۳۴	۲۹	۵	۲۲-۲۴
۴٪	۲٪	۲٪	۱۱	۶	۵	۲۴-۲۶
۳٪	۳٪	۰٪	۱۰	۱۰	-	۲۶-
۱۰۰٪	۹٪	۵۰٪	۳۰۰	۱۵۰	۱۵۰	جمع

A: افرادی که بازگشت مجدد داشته‌اند.

B: افرادی که صرفاً یک بار ارجاع شده‌اند.

توزیع فراوانی و درصد فراوانی دو گروه A و B بر اساس مورد آزار قرار گرفتن از سوی والدین

درصد فراوانی کمی	درصد فراوانی B	درصد فراوانی A	فراوانی کمی	فراوانی B	فراوانی A	فراوانی آزار از سوی والدین
۲۵٪	۴٪	۲۱٪	۷۵	۱۳	۶۲	بلی
۷۵٪	۴۶٪	۲۹٪	۲۲۵	۱۳۷	۸۸	خیر
۱۰۰٪	۵۰٪	۵۰٪	۳۰۰	۱۵۰	۱۵۰	جمع

توزیع فراوانی و درصد فراوانی دو گروه A و B بر اساس نوع آزار

درصد فراوانی کمی	درصد فراوانی B	درصد فراوانی A	فراوانی کمی	فراوانی B	فراوانی A	فراوانی نوع آزار
۳۶٪	۳٪	۳۳٪	۲۷	۲	۲۵	تجاوز
۳۳٪	۷٪	۲۷٪	۲۵	۵	۲۰	تنبیه بدنی
۶٪	۲٪	۵٪	۵	۱	۴	اجبار به گدائی
۱۳٪	۳٪	۱۲٪	۱۰	۲	۸	اجبار به خرید و فروش مواد
۶/۶٪	۰٪	۸٪	۵	۵	۵	رها شدن
۱۰۰٪	۱۵٪	۸۵٪	۷۵	۱۰	۶۲	جمع

جدول مقایسه هوشبهر دو گروه A و B در تست ریون

شاخص آماری	گروه	B	A
تعداد		۵۶	۵۶
میانگین		۹۴	۷۸
انحراف استاندارد		۱۱/۹۲	۱۳/۶۴

A: افرادی که بازگشت مجدد داشته‌اند.

B: افرادی که صرفاً یک بار ارجاع شده‌اند.

که صرفاً یک بار ارجاع شده‌اند از نظر هوشی در سطح نرمال قرار دارند. اما مددجویانی که چندین بار مراجعه نموده‌اند از نظر هوشی در سطح مرزی قرار دارند. در تست MMPI مددجویانی که بازگشت مجدد داشته‌اند در مقیاسهای S، Dt، DD و HS نمراتی بالاتر از ۷۰ کسب نموده‌اند که نمره آنها تفاوت معنا داری با مددجویانی که صرفاً یک بار ارجاع شده‌اند دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

آمارهای به دست آمده گویای آن است که مددجویانی که در سنین نوجوانی قرار دارند آسیب پذیری بیشتری دارند و برنامه‌های بازپروری در جهت ایجاد عملکرد مثبت در کنار با این مددجویان باید از تجهیزات، امکانات و تخصصهای بیشتری بهره‌مند گردد. ۴۷٪ از مددجویان ارجاع شده بی‌سواد هستند و یا سوادی در حد ابتدائی دارند و ۶۳٪ از آنها در محدوده راهنمایی و یا دبیرستان تحصیل نموده‌اند، لذا این مسأله گویای آن است که در برنامه‌ریزی باید این امر را مدنظر داشت که برای این دو گروه به صورت متفاوتی عمل شود زیرا مددجویانی که بی‌سواد هستند و یا سوادی در حد ابتدایی دارند، از نظر درک و هوش و قوه تمییز در سطح پایین‌تری می‌باشند و نیاز به برنامه‌های خاص جهت آموزش و حرفه‌آموزی دارند.

تجرب عامل مؤثر دیگری در بازگشت مجدد مددجویان به مراکز بازپروری است مددجویان مطلقه نیز بازگشت مجدد بالائی دارند، اکثر مددجویان مطلقه به علت اعتیاد

وضع نامناسب اقتصادی و از هم پاشیدگی خانواده، ۲۵٪ از مددجویان ارجاع شونده از سوی والدین مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند که ۲۱٪ از این تعداد بازگشت مجدد نموده‌اند. ۳۶٪ از مددجویانی که مورد آزار قرار گرفته‌اند، مورد تجاوز جنسی واقع شده‌اند، ۲۳٪ از آنها تنبیه بدنی گردیده‌اند، ۶٪ از آنها مجبور به گدایی شده‌اند، ۱۳٪ مجبور به خرید و فروش مواد گردیده‌اند و ۱۷٪ از آنها رها شده‌اند.

از جمله عوامل مورد بررسی در این تحقیق سن اولین فرار است. ۶٪ از مددجویان ارجاع شونده اولین فرارشان در سنین ۱۴-۱۲ سالگی می‌باشد، ۲۱٪ از آنها ۱۶-۱۴ سالگی، ۲۶٪ از ایشان در سن ۱۸-۱۶ سالگی، ۱۶٪ از آنها در سن ۲۰-۱۸ سال، ۱۳٪ آنها در سن ۲۲-۲۰ سال، ۱۲٪ از ایشان در سن ۲۴-۲۲ سال.

همانگونه که ملاحظه می‌گردد بیشترین سنی که در آن فرار رخ داده است سنین ۱۶-۱۸ سال بوده است و به طور کلی بیشترین فرارها در سنین نوجوانی رخ داده است و بیشترین بازگشت مجدد نوجوانان مربوط به افرادی بوده است که سن اولین فرار آنها ۱۶-۱۴ و ۱۸-۱۶ سال بوده است. در بررسی عوامل روانشناختی مؤثر در این پدیده شاخص‌های مطرح در دو تست MMPI و ریون مورد نظر می‌باشد. در آزمون هوشی ریون مددجویانی که صرفاً یک مرتبه مراجعه نموده‌اند بهره هوشی ۹۴ دارند و مددجویانی که چندین مرتبه ارجاع شده‌اند بهره هوشی ۷۸ دارند که این هوشبهرها گویای آن است که مددجویانی

همسرشان، نداشتن مسکن و کار مناسب، نبود در امر مکفی برای خانواده از همسرانشان جدا شده‌اند.

بیشترین مددجویان ارجاع شونده از استانهای خراسان و تهران بوده‌اند و بیشترین بازگشت مجدد در مورد مددجویانی می‌باشد که از نواحی غربی کشور ارجاع گردیده‌اند. از عوامل مؤثر در بازگشت مجدد مددجویان تهرانی، جاذبه‌های شهری، وابستگی‌های کمتر خانوادگی، تعارض میان آزادی و بی‌بند و باری، مهاجرت و حاشیه‌نشینی دخیل هستند. در نواحی شرقی ایران تأثیر زوار و انتقال فرهنگهای مختلف مؤثر است. آنچه که در بازگشت مجدد مددجویان غربی مؤثر است، تعصبات خشک قومی و قبیله‌ای و فقدان امنیت جانی در محیط خانواده است. بالا بودن جمعیت خانواده عامل مؤثر دیگری در بازگشت مجدد مددجویان به مراکز بازپروری است. جمعیت زیاد خانواده بر وضعیت اقتصادی خانواده و میزان بذل توجه اعضاء خانواده مؤثر است. با توجه به آمارهای حاصله در مورد وضعیت تحصیلی والدین مددجویان ارجاع گردیده این نتیجه حاصل می‌گردد که اکثریت مددجویان والدینی بی‌سواد و یا سواد در حد ابتدایی دارند. این امر مشکل فقر فرهنگی را به دنبال دارد، لذا در کار با خانواده این افراد، لزوم کارهای فرهنگی و آموزشی ضروری می‌نماید.

در بررسی شغل پدران مددجویان بیشترین آسیب دیدگی در مورد مددجویانی بوده است که پدران بیکار داشته و یا به مشاغل کاذب اشتغال دارند. لذا این امر در بازگشت

مجدد مددجویان تأثیر بسزایی دارد. پدران که بیکار هستند غالباً معتاد می‌باشند و فرزندانشان خود را به دست اعمالی همچون تکدی گری، سرقت، توزیع مواد و ارتباطات نامشروع جهت کسب درآمد سوق می‌دهند. فقر اقتصادی عامل مؤثر دیگری در آسیب‌پذیری هر چه بیشتر افراد ارجاع شونده می‌باشد. مددجویانی که در وضعیت خیلی بد و بد اقتصادی زندگی می‌نمایند بازگشت مجدد بالائی دارند. لذا با توجه به شرایط اقتصادی خانواده در بسیاری از موارد ترخیص مددجویان به خانواده به هیچ وجه صلاح نمی‌باشد.

اختلافات خانوادگی و جدائی والدین از عوامل بسیار مؤثر در بازگشت مجدد مددجویان است. مددجویانی که در خانواده‌هایی رشد یافته‌اند که وضعیت معشوش و آشفته‌ای دارد سطح آسیب دیدگی بالائی دارند. فوت والدین نیز از عوامل مؤثر در آسیب‌دیدگی مددجویان است و نوجوانانی که با مسئله فوت والدین روبرو بوده‌اند بازگشت مجدد بیشتری دارند. فوت والدین توأم با مسائلی همچون فقر، اقتصادی، خلاءهای عاطفی و در موارد بسیاری از هم پاشیده شدن شیرازه خانواده، ازدواج مجدد پدر یا مادر، بی‌سرپرستی، بد سرپرستی و اعمال نظر و نفوذ اقوام و فامیل می‌باشد. داشتن والدین معتاد نیز عامل مؤثر دیگری در گرایش نوجوانان به انحرافات و آسیب‌های اجتماعی است. اعتیاد سرپرست خانواده مشکلی است پویا که بر سایر ابعاد زندگی خانواده تأثیر گذار است اعتیاد والدین مسائلی همچون فقر، آمد و رفت

گدایی، اجبار به خرید و فروش مواد، رها شدن و مورد تجاوز جنسی واقع شدن می‌باشد.

عوامل روانشناختی نیز از عوامل مؤثر در آسیب‌دیدگی مددجویان ارجاع گردیده می‌باشد به گونه‌ای که مددجویانی که بازگشت مجدد دارند از نظر هوشی در سطح مرزی قرار دارند و در شاخصهای تست MMPI نمراتی بالا کسب نموده‌اند اطلاعات فوق‌گویی آن است که برنامه‌های روان‌درمانی، مشاوره‌های فردی و دارو درمانی برای این گروهها، لازم و مؤثر است و کار با این افراد شرایطی را می‌طلبد که آرامش روانی به آنها بازگردانده شود که متأسفانه در فعالیتهای بازپروری این فاکتور نادیده گرفته شده است.

«نظر کلی»

در خاتمه باید گفت که سیل فراوان بازگشت مجدد مددجویان مراکز بازپروری نشانگر عدم پاسخگویی طرحها و برنامه‌های ساماندهی آسیب‌دیدگان اجتماعی می‌باشد و این مسأله برآمده از آن است که در برنامه ساماندهی دختران و زنان آسیب دیده اجتماعی شناخت دقیق و صحیحی در مورد این گروهها صورت نگرفته که به دنبال آن این مسأله منجر به شکل‌گیری طرح هر برنامه‌ای گردیده که به هیچ وجه پاسخگوی نیاز آنان نمی‌باشد. به همین دلیل راهحل صحیحی برای پیشگیری از فرار دختران از خانواده و ممانعت از آسیب‌دیدگی بیشتر آنها ارائه نشده است.

افراد بزهکار، عدم وجود امنیت در خانواده، تغییرات خلقی فرد معتاد، نگرش منفی جامعه در مورد فرد و خانواده‌اش و گرایش نوجوانان به سمت دوستان بزهکار و افرادی خلافکار و منحرف که والدین با آنها در ارتباط هستند. اعتیاد مددجویان نیز عامل مؤثر دیگری است در گرایش هر چه بیشتر این افراد به سمت انحرافات و آسیب‌های اجتماعی. این افراد جهت تأمین هزینه لازم برای خرید مواد مخدر اقدام به هر عمل خلافی می‌نمایند. از سرنگهای آلوده استفاده می‌کنند و با افرادی ارتباط دارند که احتمال ابتلاء آنها را به بیماری ایدز و غیره بسیار بالا می‌برد. مددجویانی که سابقه زندانی شدن را دارند با سطح آسیب‌دیدگی بالایی روبرو هستند و تعداد کثیری از ایشان به مراکز بازپروری بازگشت مجدد دارند. محیط زندان عامل مؤثری در آلوده شدن مددجویان به انحرافات و آسیب‌های اجتماعی است.

مددجویانی که مسائلی همچون انحرافات جنسی را داشته‌اند بازگشت مجددشان بیشتر از سایر مددجویانی است که به علل دیگری ارجاع شده‌اند. این مسأله گویای آن است که هر چه سطح آسیب‌دیدگی بیشتر و سطح انحراف و آلودگی بالاتر باشد، میزان بازگشت مجدد مددجویان افزونتر است.

مورد آزار قرار گرفتن از سوی والدین از عوامل مؤثر دیگری است که سطح آسیب‌دیدگی مددجویان را بالا می‌برد. این آزارها عمدتاً به صورت تنبیه بدنی، اجبار به

۸. انجام مشاوره‌های تخصصی با خانواده‌ها و مددجویان در زمینه کاهش دادن مشکلات آنها در خانواده

در این برنامه تنها به معلول که همانا فرد آسیب دیده است پرداخته شده و برنامه ناقصی جهت بازتوانی آنها طراحی گردیده است.

در واقع جمع‌آوری و نگهداری این افراد در مراکز بازپروری بدون کارکرد صحیح بر روی آنها باعث آلودگی بیشتر ایشان می‌شود.

پیشنهادهای:

۱. ارائه طرح بازپروری بر مبنای اطلاعات حاصله و

به دست آمده از پژوهش

۲. تقسیم‌بندی صحیح مددجویان و تفکیک آنان بر

اساس سن مراجع

۳. ممانعت از بازگرداندن مددجویان به خانواده‌هایی

که والدین آنها دارای مشکلات و انحرافات اخلاقی

هستند.

۴. ارائه خدمات حمایتی غیر متمرکز به مددجویانی

که امکان حضور آنها در خانواده می‌باشد و

حمایت مالی و اقتصادی

۵. تفکیک مددجویان بر مبنای سطح آسیب دیدگی و

ممانعت از قرار دادن مددجویان با آسیب دیدگی

کمتر در کنار مددجویان با آسیب دیدگی بیشتر.

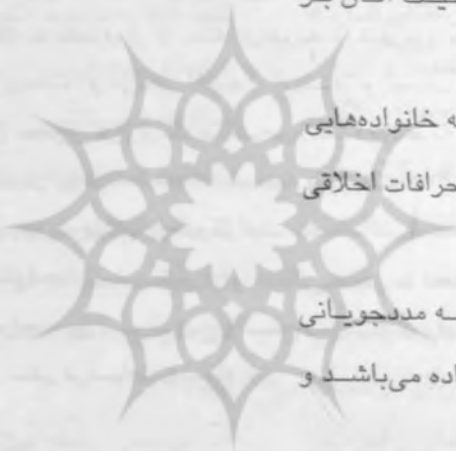
۶. تفکیک مددجویانی که از نظر اختلالات

روانشناختی دچار مشکل هستند از سایر

مددجویان

۷. ایجاد مراکز بازپروری تخصصی در مناطق

غربی کشور



انسانی و مطالعات فرهنگی

مجمع علوم انسانی